

تاریخ تجارت برده از آفریقا به اروپا از دهه های ۱۴۴۱ تا ۱۹۵۰ تجارت برده و نژادپرستی بعنوان خاستگاه سرمایه داری

نویسنده: ماریو سوزا
مترجم: پیام پرتوی

http://www.mariosousa.se/Slavhandeln_och_rasisem_som_kapitalismens_vagga.html

جوامع برده در آفریقا

در خلال نیمه دوم دهه ۱۴۰۰ کسب و کار پرتقالیها با برده گان آفریقایی در اروپا به تجارت بسیار پر رونقی مبدل شد. شکار انسان در اولین سال خود نشان داده بود که تجارتی باشد خطرناک با تعداد زیادی قربانی در جنگ و بیماریها در میان شکارچیان برده ی پرتقالی. (یکی از اولین شکارچیان انسان، نونو تریستاو که در سطور فوق نام او رفت، در سال ۱۴۴۶ همراه با ۱۸ تن دیگر در کنار رودخانه گامبیا در جریان چهارمین تجارت غارتگرانه کشته شده بود).

برای موفقیت تجاری شیوه آسانتری مطالبه میشد. پرتقالیها در مناطق ساحلی با پادشاهان و صاحبان قدرت تماس گرفتند و بتدریج شرکای تجاری پیدا کردند که در ازای پارچه و اسب بفروش طلا، پوست بز کوهی و حتی برده تمایل داشتند.

«تجارت با برده گان تجار تیسست برای پادشاهان، مردان ثروتمند و تاجران موفق» توسط یکی از شرکت کننده گان در تجارت شرایط بدرستی اینچنین توصیف شد. اینکه آفریقاییها، آفریقاییهای دیگر را به افراد بیگانه از بخشهای دیگر جهان میفروختند توهین آمیز است. اما جهت درک این مسئله شناخت عمیقتر از سیستم اجتماعی آفریقا در دهه ۱۴۰۰ از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مردم در اروپا و آفریقا هنگام برقراری اولین تماس میان پرتقالیها و پس از آنها اروپاییهای دیگر با آفریقاییها از طریق دریا، تحت سیستم بسیار مشابه ای زندگی میکردند اما تفاوتهای بزرگی نیز وجود داشت. فنودالیسم در اروپا به نظم اجتماعی حاکم بر آفریقا، که معمولاً بعنوان «فنودالیسم آفریقایی» از آن یاد میشود، شباهت نداشت.

برده گان تحت سیستم برده داری در اروپا از داشتن حقوق انسانی و اموال محروم بودند. برده داری با گذار به فنودالیسم تدریجا به سرواژ و ارباب و رعیتی مبدل شد، سیستمی وحشتناک برای کارگران که صدها سال ادامه یافت و تا حد زیادی نزدیک به برده داری بود. (تا اواخر ۱۷۷۵ کاترین دوم سرواژ را در روسیه تشدید و به مالکان زمین حق فروش دهقانانشان بعنوان برده داده شد).

در آفریقا «فنودالیسم» معنای دیگری داشت. ساختار برابر قبیلله ای با گذشت زمان جای خود را به سیستمی داد که در آن دولتهای رشد کرده ی قویتر، اقوام ضعیف دیگر را تحت ستم قرار میدادند. این امر یک سرواژ یا یک واسال را برای شکست خورده گان به همراه آورد، که بسیاری از مورخان بطور کلی به «بردگی خانگی» خواندن-ه آن تمایل دارند.

شرایط زندگی این برده گان آفریقایی تا حد زیادی، وابسته به زمان و مکان، میتواند متفاوت باشد اما با اینحال توضیح یک الگوی واقعی هنوز هم، بدون تخطی از واقعیت، ممکن است. برده گان در آفریقا بطور معمول قطعه زمینی، بدون داشتن اجازه ترک آن، دریافت مینمودند. آنها بمنظور کسب آزادی عمل بیشتر، با محصولات و خدمات خود به تن در دادن به بردگی ناگزیر بودند.

بخشی به کشاورز و بخشی به صنعتگر مبدل میشدند، و با گذشت زمان تفاوت میان این برده گان و مردان آزاد در نزد مردم پیروز کاهش میافت. یک برده آفریقایی بعنوان عضوی از خانواه ارباب پذیرفته، میتواند صاحب اموال و حتی وارث اموال ارباب خود نیز باشد.

مثالهایی در مورد برده گانی که به تاجرانی موفق، ثروتمند و برده دار مبدل شدند، افراد مهمی در جامعه و حتی انتخاب شده بعنوان پادشاه، وجود دارد. این تذکر جهت درک وضعیت برده گان و امکانات جامعه آفریقا ارائه شد. البته در زندگی یک برده همه چیز لذتبخش نبود. او، برای مثال، ممکن بود که بخاطر روز بخصوصی بعنوان هدیه داده و یا بمنظور تحقق نیازهای اقتصادی ارباب فروخته شود.

در این رابطه مهمترین مسئله، پس از آمدن اروپاییها در دهه ۱۴۰۰ به آفریقا، درک وضعیت بردگان آفریقایی و مقایسه آن از بسیاری جهات با سیستم ارباب و رعیتی حاکم بر اروپا که در آنزمان بر تعداد زیادی از زنان و مردان حکومت مینمود است. وضعیت برده گان آفریقایی در آنزمان هیچ وجه مشترکی با برده داری بعدی اروپاییها، در مورد نیاز به نیروی کار ارزان در مستعمرات آمریکایی، زمانیکه با انسانها در کشتیهای حامل برده، در زمینهای کشاورزی و معادن همانند گله احشام رفتار میشد، نداشت.

باتوجه به این پیشینه میتوان به شیوه اندیشیدن برده دار آفریقایی، هنگامیکه همزمان با طلا، عاج و پوست حیوانات برده گان را نیز به اروپاییها میفروخت، آگاهی یافت. برای برده

دار آفریقایی فروش برده به تاجران آفریقایی عجیبتتر از فروش آنان به تاجران اروپایی نبود. او از وضعیت برده گان در کشور جدید اطلاعی نداشت و تصور مینمود که اوضاع و احوال آنجا تقریبا مشابه آفریقا باشد.

برای او بسادگی اینچنین بود که برده گان به املاک ارباب جدید منتقل و در آنجا به زندگی عادی خود ادامه میدادند، کاری را که در آن مهارت داشتند انجام و در تلاش برای دستیابی به آزادی نهایی از نردبان ترقی جامعه صعود مینمودند.

در حقیقت حدسیات برده فروش آفریقایی چندان هم بدور از واقعیات نبود. در آنزمان، در نیمه دوم دهه ۱۴۰۰، با برده گان در اروپا با همان شیوه آفریقا برخورد میشد. برده موجودی بطور کامل بدون حقوق نبود بلکه در سیستمی با تعهدات متقابل، میان برده گان و جامعه برده داری، دارای جایگاهی معینی بود.

با اینحال باید بمنظور درک توسعه مناسبات میان اروپا و آفریقا بر روی برخی از حقایق مهم و تعیین کننده تاکید ورزید. پادشاهان یا رؤسای قبایل آفریقایی که به اروپا برده میفروختند به پیش بینی گستره این اولین، و تقریبا بسیار محدود، تجارت برده در آینده، که ثبات جامعه را در کشورشان به لرزه درمیآورد، قادر نبودند.

برایشان اینکه این بی ثباتی در آینده سبب ساز شرایطی میشد که اروپاییان را نیرومندتر از آنان میساخت قابل پیش بینی نبود. فعالتر بودن اروپاییان در جستجو و تجارت برده و قویتر بودن آنان از جمله بدلیل برتریت بی چون چرای نظامی، همواره میتوانست دربردارنده بزرگترین منافع و مزایا برای آنان باشد.

لازم به ذکر است که طی این سالها تجارت برده تنها بخشی از معاملات میان آفریقا و اروپا را تشکیل میداد، اگر چه برای پرتقال و بعدها همچنین برای اسپانیا تجارت برده معرف بزرگترین بخش معاملات بود.

توسعه تجارت برده

تجارت برده در خلال نیمه دوم دهه ۱۴۰۰، بطور عمده برطرف نمودن نیاز مصارف بازار داخلی در میان ثروتمندان پرتغالی و اسپانیایی و صادرات محدود به ایتالیا و فرانسه را مد نظر داشت. این بازار بزرگ نبود و به کاهش سرعت تمایل نشان میداد. برای مثال در آغاز دهه ۱۵۰۰ دو تن از فرمانروایان بزرگ آنزمان، انگلیس و فرانسه، عمدتا تجارت برده نمیکردند، اما معاملات کالاهایی مانند عاج، فلفل و طلا را با آفریقا توسعه دادند

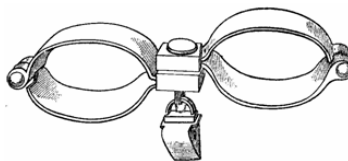
تا نیمه دهه ۱۵۰۰ تجارت برده در مورد چند ده هزار برده ی آفریقایی بود که با کشتی به کشورهای اروپا برده شدند و این عمل میتوانست بعنوان رویدادی در خور نکوهش اما محدود به یک دوره خاص در تاریخ ثبت گردد.

همانطور که گفته شد تجارت با ارزشتر دیگری در حال توسعه و از نظر اهمیت در حال غلبه بود. با اینحال چنین نشد. سفر کلمب به جزایر آنتیل، ۱۹۴۲، و پدرو آوارز کابرالز/پرتغالی به برزیل، ۱۵۰۰ همه چیز را تغییر داد.

پس از این تاریخ کشتیهای پرتغالی و اسپانیایی هر چه بیشتر بسمت غرب، بسوی قاره به تازگی کشف شده آمریکا، حرکت نمودند. آنها با شمار فراوانی از سربازان مسلح، جنگ و حمله گری، کارائیب و مناطق بزرگی را در آمریکای جنوبی به تدریج به تصرف خود درآوردند. جمعیت این مناطق را به بردگی کشیده و به کار کردن در معادن و مزارع شکر ناگزیر نمودند. فاتحان در تلاش خود بدنبال ثروت، سرخپوستانی را که به برده مبدل نموده بودند ظالمانه مورد بهره برداری قرار میدادند.

جمعیت سرخ پوست در خلال این برده داری نابود شدند. در برخی مناطق، بصورتی کامل از میان رفتند. در ۲۷ اکتبر ۱۴۹۲ کریستف کلمب در کوبا پیاده شد، طی کمتر از ۵۰ سال بیش از صد هزار سرخ پوست ناپدید شدند. در اینجا تشریح وضعیت وحشتناک سرخ پوستان آمریکایی در این بهره برداری استعماری امکانپذیر نیست.

این امر مستلزم نگارش مقاله تخصیص داده شده ی ویژه ای است که در سطحی گسترده و شیوه ای عادلانه به بیان این رویداد دلخراش بپردازد. من در اینجا تنها ناگزیرم که بصورتی خلاصه بر روی این واقعیت وحشتناک در آمریکا تاکید و در ادامه به تشریح تجارت برده از اروپا به آفریقا ادامه بدهم.



دستبند

تقاضای نیروی کار، که در مستعمرات جدید در آمریکا جای سرخپوستان قتلعام شده را میگرفت، با سرعتی بی سابقه آغاز شد. توسط فاتحان صدور برده از اسپانیا، پرتغال و آفریقای شمالی آغاز شد. این برده گان هر دو، سفید و سیاه و بسیاری از آنان مسیحی بودند.

شاید دانستن این مسئله که صدور برده گان مسیحی تا پایان دهه های ۱۶۰۰ ادامه یافت جالب باشد. سندی از ۱۹۶۲ وجود دارد که بر اساس آن خانواده سلطنتی اسپانیا (آنهایی که از جانب پاپ لقب پادشاهی کاتولیکها را دریافت نموده بودند) اجازه صدور زنان سفید پوست را از اسپانیا به مکزیک صادر نمود، آنها در آنجا در عسرتکده های ثروتمندان جای داده شدند.

۱۵۱۵ اولین محموله کشتی شکر کشت شده توسط برده گان آفریقایی در کارائیب توسط اسپانیا دریافت شد. این برده گان در آفریقا به اسارت گرفته، به اسپانیا آورده و از آنجا به مزارع کشاورزی در کارائیب فروخته شده بودند. اما کمبود نیروی کار که کشتار سرخپوستان، معادن و مزارع جدید سبب ساز آن گشته بود، راه حل دیگری را، گسترده تر از آوردن برده از اروپا، مطالبه مینمود.

در آغاز پرتغالیها و اسپانیاییها به آوردن برده گان آفریقایی تمایلی نداشتند چرا که سبب ساز آشوب شده و در کشتیهای حامل برده و در کارائیب حمام خون پیا نموده بود. اما روند وقایع بدان سوی توسعه یافت. اسپانیاییها و پرتغالیها از نظر اقتصادی کاملا وابسته به تجارت برده بودند و سود پول سرمایه گذاری شده را مطالبه مینمودند. همزمان تنها آفریقا میتواند پاسخگوی نیاز بیشمار نیروی کار برده در مزارع و معادن باشد.

در سال ۱۵۱۸ اولین محموله کشتی با برده گان، مستقیما از آفریقا به کارائیب رفت. با این رویداد، هنگامیکه خانواده های سلطنتی در اروپا بمنظور صدور برده به کنیها در قاره آمریکا مجوز خرید آنها را از برخی از مناطق آفریقا به تاجران برده فروختند، عصر جدیدی رقم خورد.

میلیونها و میلیونها انسان شکار، به اسارت گرفته و بعنوان برده فروخته شدند. آنها از هیچ حقوقی برخوردار نبودند، با آنها بدتر از حیوانات رفتار میشد و میلیونها تن از آنان جانسپردند. خانواده های سلطنتی اروپایی، کلیسای مسیحی و اشراف دیگر با بکارگیری این شیوه نفرت انگیز صاحب ثروتی عظیمی شدند. تجارت برده به آمریکا توسط پرتغال و اسپانیا آغاز شد. اما این کشورها توسط انگلیس، فرانسه، هلند، پروس، دانمارک، سوئد و بعدها دو کشور جدید در قاره آمریکا، برزیل و آمریکا، همراهی شدند.

مناسبات میان این کشورها در ساحل آفریقا تقریبا مشابه شرایط جنگی بود، همگی آنها در جهت کسب تمام طعمه، بدون داشتن تمایل به تقسیم آن با کسی، تلاش مینمودند. جنگ ابتدا میان پرتغال و اسپانیا آغاز شد. خانواده سلطنتی پرتغال انحصار تمام معاملات در ساحل آفریقا را بدست آورده بود! خانواده سلطنتی اسپانیا با قبول این خطر که مورد تکفیر پاپ قرار گرفته و به جهنم فرستاده شود کشتیهای خود در ساحل آفریقا جلوتر و جلوتر فرستاد.

پادشاه پرتغال، جان دوم، کاملاً مراقب اوضاع بود. بفرمان وی ناخدایانش در آفریقا در صورت برخورد با «کشتیهای حامل اسپانیاییها یا کشور دیگری فقط به گرفتن اسیر اکتفا نکنند، بلکه آنان را بدلیل انتخاب انجام کاری ممنوع و بخاطر دادن هشدار به دیگران، بعنوان مجازات به دریا پرتاب کنند». اما حفظ انحصار کسب و کاری چنین سودآور آنچنان آسان نبود. چندان طول نکشید که تعداد زیادی از کشتیهای اسپانیایی و کشورهای دیگر در ساحل آفریقا ازدحام نمودند.

یکی از مشهورترین قاچاقچیان برده که نامش در تاریخ ثبت شد جان هاوکینز/انگلیسی بود. او، تامین مالی شده توسط تجار لندن، در سال ۱۵۶۲ سه کشتی تهیه کرد و به همراه ۱۰۰ نفر خدمه از انگلیس به سواحل گینه رفت و پس از مدتی از طریق جنگ و غارت در کنار ساحل ۳۰۰ نفر را به اسارت گرفت. جان هاوکینز پس از آن بسوی جزایر کارائیب حرکت کرد و اسرا را بعنوان برده فروخت و بجای آن کالا، برای فروش در انگلستان، خرید.

در آغاز پادشاهی انگلیس به کسب اطلاع از ماجراجوییهای هاوکینز تمایلی نداشت و از انجام تجارت برده امتناع ورزید. اما ملکه الیزابت اول با دیدن حساب سود و زیان وی پس از اولین سفرش تغییر نظر داد و سرمایه گذاری در شکار برده ی هاوکینز را آغاز نمود. هاوکینز برای انجام ماموریت دوم خود در آفریقا از ملکه الیزابت اول کشتی ویژه ی حمل برده «عیسی مسیح»! را دریافت نمود. او بعدها بخاطر خدمات خود برای انگلیس مورد ستایش قرار گرفت و لقب شوالیه را دریافت و خودش سپری را با نقش برده سیاه پوستی با دستبند بر روی آن انتخاب کرد!

در خلال دهه های ۱۵۰۰ و ۱۶۰۰ گسترش تجارت برده با سرعت هر چه بیشتر ادامه یافت. انحصار پرتغال هنگامیکه از میان رفت که کشور میان ۱۵۸۰ و ۱۶۴۰ فاقد پادشاه شد و پادشاه اسپانیا، نزدیکترین وارث، به تاج و تخت پرتغال دست یافت. تا ۱۶۴۰، که شورش در لیسبون آغاز و پادشاه جدیدی در پرتغال بر سر کار آمد، کشور همانند استانی از اسپانیا و مغلوب بعنوان یک قدرت دریایی باقی ماند.



سر جان هاوکینز

از آغاز دهه ۱۶۰۰ کشورهای بسیار دیگری هدایت بخش بزرگی از تجارت برده را بدست گرفتند، امری که در آنزمان بزرگترین معامله بر روی تمام دریاها بود. شرایط جنگی میان این کشورها بر روی اقیانوس رابطه ای بود عادی. طمعکاری و حسادت بخاطر سود حاصله از تجارت برده مرزی نمیشناخت.

با گذشت زمان قدرت دریایی انگلیس افزایش یافت. کشور، بعنوان تاجر برده در مقام دوم، بمنظور بدست آوردن طلا و نقره از تجارت برده و مستعمرات در آمریکا به تهیه کالا جهت ارائه به اسپانیا و پرتقال ناگزیر گشته بود. این صنعتی شدن را تحمیل نمود، امری که طی زمانی دراز انگلیس را به یکی از نیرومندترین قدرتها در اروپا مبدل کرد.

تصمیم گیری در مورد اینکه چه کسی رهبری تجارت با آفریقا را، در آنزمان تنها از طریق برده گان، بدست می گرفت با جنگ بر سر جانشینی پادشاهی اسپانیا، ۱۷۰۲-۱۷۱۴، پس از مرگ کارلوس دوم رخ داد. امپراطوری اسپانیا در آنزمان بزرگترین فرمانروایی جهان، با متصرفات در هلند، ایتالیا، آمریکا، آفریقا و آسیا، بود.

با ارزشترین در این امپراطوری «*assiento*» آسی ینتو بود، قراردادی که به صاحبش حق تجارت برده به متصرفات آمریکایی اسپانیا را بصورتی کامل ارائه میداد. مبالغ هنگفت از آنجا میامدند. دوک فرانسوی، فیلیپ آنژو، انتخاب شده توسط کارلوس دوم، با دریافت حمایت از پدر بزرگش پادشاه فرانسه لودویگ چهاردهم، پادشاه فیلیپ پنجم از اسپانیا شد. پس از تاجگذاری فیلیپ پنجم حقوق آسی ینتو را به لودویگ چهاردهم، که او مطالبه نموده بود، داد.

خانواده سلطنتی انگلیس خود را فریب خورده احساس نمود و جنگ بزرگ یک واقعیت بود. آنها، طی ۱۲ سال، در اروپا و در هر جایی که با یکدیگر مواجه شدند، یکدیگر را قتلعام نمودند. در آوریل ۱۷۱۳ اولین قرارداد صلح با معاهده ی «صلح در اوترخت» میان اسپانیا و انگلیس و متحدانش بدست آمد. امر تعیین کننده برای امضای این قرارداد صلح، معاهده تجارت برده، معاهده آسی ینتو بود، که یک ماه قبل از آن میان انگلیس و اسپانیا به امضاء رسیده بود، که بر اساس آن انحصار صدور برده از آفریقا به مناطق اسپانیایی زبان آمریکا به خانواده سلطنتی انگلیس اعطاء میشد.

۵۰ میلیون نفر از آفریقا ناپدید شدند

شمار افراد ناپدید شده از آفریقا بدلیل تجارت برده میان دهه های ۱۴۰۰ و ۱۹۰۰ چه میزان بود؟ این سوال موضوع بسیاری از مطالعات بوده است اما به آن نمیتوان به صراحت پاسخ داد. آمار دقیقی، فقط ارزیابیهایی بنا شده بر روی اطلاعات ناقص، هرگز وجود نداشته است. ارقام موجود بویژه بدلیل قاچاق گسترده نادرست میشوند. تجارت برده توسط

خانواده های سلطنتی اروپا و کلیسا که از طریق مدیریت آن ارتزاق مینمودند مشمول مالیات شدیدی میشد. تاجران برده در جهت دور زدن این گمرکیها همواره تلاش مینمودند.

بهمین دلیل پرداخت رشوه به کارمندان گمرک توسط تاجران برده در بازار برده امری بود بسیار عادی. تاجران برده با استفاده از علائم تجاری کمپانیهای مختلف برده، برده گان را علامت گذاری و با استفاده از این روش بدون پرداخت مالیات یا هزینه گمرکی، از گمرک عبور مینمودند. تخمین زده میشود که قاچاق زندانیان یک سوم محموله را شامل میشد.



غلاده گردن

اما آنها در مجموع چه تعدادی بودند؟ در میان افرادی که وقت خود را صرف مطالعه تاریخ قاره آفریقا نموده اند، رقم ۱۵ میلیون بعنوان حداقلی مطلق و ۵۰ میلیون بعنوان به احتمال زیاد، رقمیست مورد قبول واقع شده از شمار برده گانی که زنده به آمریکا آمدند. (تنها در کوبا طی پنجاه سال، میان ۱۷۹۱ و ۱۸۴۰، یک میلیون برده در ساحل پیاده شدند!).

دستکم ۵۰ میلیون برده

اما این ارزیابیها از شمار برده گان زنده به آمریکا آمده، شمار برده گان به کشتی برده شده را شامل نمیشوند. بسیاری از آنان در جریان سفر، کمترین مقدار تخمین زده شده ۲۰ درصد، کشته شدند. گاهی ممکن بود که این رقم بالاتر باشد. به این ارقام غم انگیز باید انسانهایی را اضافه نمود که در جریان حمله و جنگ در شکار برده، که در خلال صدها سال بخش بزرگی از قاره آفریقا را شامل شد، کشته شدند.

نتیجه گرفته میشود که تجارت برده، کمترین مقدار تخمین زده شده، باید به قیمت جان ۵۰ میلیون (برخی محققان ۱۰۰ میلیون اعلام نموده اند) تمام شده باشد، که هنگام انجام این تحقیقات معادل است با یک چهارم از جمعیت آفریقای سیاه در میانه دهه ۱۹۰۰.

